

## گیان در «باستان‌شناسی غرب ایران»

از: دکتر علی اکبر افراسیاب پور  
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی

اشاره:

جناب آقای فرهاد فرزانه مدیر کل محترم میراث فرهنگی استان همدان در پنجمین همایش سالانه‌ی نه‌اوندشناسی (شهریورماه ۱۳۸۱) در جمع مسئولان و همشهریان در نه‌اوند اظهار داشتند برای حفاری مجدد تپه‌گیان که سابقه‌ای شش‌هزار ساله دارد بودجه‌ای اختصاص یافته و برای مهرماه هیئتی به همین منظور در محل اعزام خواهد شد. ضمناً برای مرمت حمام حاج آقا تراب و مطالعات کارشناسی قلعه‌ی یزدگرد و معبد لائودیسسه واقع در مرکز شهر نیز خبرهای خوشی دادند. بنابراین جای امیدواری است که پس از چند دهه سکون و وقفه بالاخره اداره‌ی کل میراث فرهنگی استان همدان موقعیت حساس و مهم، اما فراموش شده‌ی نه‌اوند را در دستور کار خود قرار داده است که بدین وسیله از ایشان و مسئولان محترم مرکز سپاس‌گزاری می‌شود.

آن‌چه در این مقاله می‌خوانید تأکیدی است بر اهمیت تپه‌ی گیان و ضرورت بازنگری در آن. قبلاً نیز در خصوص تاریخچه‌ی گیان و حفاری در تپه‌ی گیان مقالاتی درج شده‌است (فرهنگگان ۳، بهار ۱۳۷۹، صفحه‌ی ۶۷ تا ۱۲۱) «فرهنگگان»

جدیدترین کتابی که در مورد نتایج مطالعات باستان‌شناختی حوزه‌ی نهاوند و به‌ویژه تپه‌ی گیان تألیف شده «باستان‌شناسی غرب ایران» نوشته‌ی فرانک هول و چند باستان‌شناس دیگر است که توسط زهرا باستی ترجمه شده و از طرف سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در سال ۱۳۸۱ ش منتشر گردیده است. این کتاب ۶۳۴ صفحه دارد و با کیفیتی مطلوب و با متنی کم غلط به بازار کتاب عرضه شده است.

«باستان‌شناسی غرب ایران» برای نخستین بار اسرار ناگفته‌ای از عملیات حفاری تپه‌ی گیان و نتایج بررسی‌های آن را ارائه می‌دهد. البته حوزه‌ی مطالعه و پژوهش مؤلف به تپه‌ی گیان منحصر نمی‌شود. وی حدود هشت‌هزار سال از تاریخ باستان‌شناسی غرب ایران را به اختصار بررسی کرده است و علاقه‌ی خود را به غرب ایران بدین چنین توضیح می‌دهد: «در ایران، منطقه‌ی غرب بیش از دیگر مناطق توجه ما را جلب کرده است، زیرا از نظر تاریخی این منطقه مرکز فرهنگ کشور بوده است و بیش‌تر پژوهش‌های باستان‌شناختی در آنجا انجام شده است. افزون بر این، به‌طوری که بعداً روشن خواهد شد، غرب ایران چنان تسلسل تاریخی دارد که آن را چهارچوب ارجاعی مناسبی برای مطالعات کلی ساخته است.»<sup>۲</sup>

هم‌چنین عقیده دارد: «غرب ایران در گسترش تجارت بین مردم بین‌النهرین جنوبی با منابع اندکشان و منطقه‌ی کوهستانی و فلات ایران و ماورای شرق با منابعی غنی، جایگاه مهمی دارد. به همین دلیل، ساکنان کوه‌های زاگرس قادر بودند به جاه‌طلبی‌های اهالی

۱- عنوان اصلی کتاب این است:

The Archaeology of Western Iran : Edited by Frank Hole, Washington D.C: Smithsonian Institution Press, 1987

۱- باستان‌شناسی غرب ایران، ص ۱۵

سرزمین پست، حتی آنانی که قادر به تجهیز نیروهای نظامی قدرتمند بودند، دامن زده، یا مانع آن شوند.

همین توانایی حفظ عدم وابستگی به همسایه‌ها و اغلب تحت نفوذ در آوردن آن‌هاست که غرب ایران را به آزمایشگاهی باستان‌شناختی برای مطالعه‌ی فرایندهای فرهنگی و تاریخی در خاور نزدیک مبدل کرده است. با این حال، هنوز اقدام جامع و روشمندی برای ارائه‌ی تصویری باستان‌شناختی، به شیوه‌ای نسبتاً دقیق‌تر، به عمل نیامده است.<sup>۱</sup> در مورد تپه‌ی گیان نیز می‌گوید: «طبیعی است که در شناخت گذشته‌ی باستان‌شناختی ایران، حفاری نقش اصلی را خواهد داشت و در این جا نیز باید برنامه‌هایی با اولویت بالا وجود داشته باشد.

یکی از این برنامه‌ها این است که محوطه‌های مهمی چون تپه‌ی گیان، سیلک و موسیان، تا حدی که مناسب باشد، بررسی مجدد شوند. هر محوطه‌ی باستانی برای ناحیه‌ی خود داده‌های باستان‌شناختی پایه‌ای فراهم می‌سازد؛ با این حال، هر کدام با شیوه‌هایی حفاری شده که برای رسیدن به هدف‌های امروزی بسیار نارساست.<sup>۲</sup> به این ترتیب «فرانک هول» عقیده دارد که هنوز مطالعات باستان‌شناختی دقیقی در مورد تپه‌ی گیان نهبانند صورت نگرفته است و این امر به مطالعه‌ی تمدن‌های گذشته‌ی منطقه و تاریخ و فرهنگ ایران آسیب رسانده و بخش‌هایی با ارزش از پیشینه‌ی فرهنگی مردم ایران را در تاریکی نگه داشته است. از این رو به جاست از مسئولان محترم میراث فرهنگی درخواست شود که گروه‌های باستان‌شناسی را برای کاوش‌های دقیق به منطقه بفرستند.

۲- همان، ص ۱۳

۱- باستان‌شناسی غرب ایران، ص ۴۶

در این مقاله کوشش گردیده تا گزارشی کوتاه از مطالعه‌ی کتاب مذکور، با تکیه بر تپه‌ی گیان به خوانندگان تقدیم شود. ابتدا برای آشنایی با چهارچوب بحث دیدگاه کلی فرانک هول در تقسیم بندی دوران‌های باستان‌شناسی غرب ایران در دوران پیش از اسلام به طور خلاصه آورده می‌شود.

### دوران‌های باستان‌شناسی غرب ایران

از نظر فرانک هول، غرب ایران پیش از اسلام، دارای چهار دوران باستانی می‌تواند

باشد:

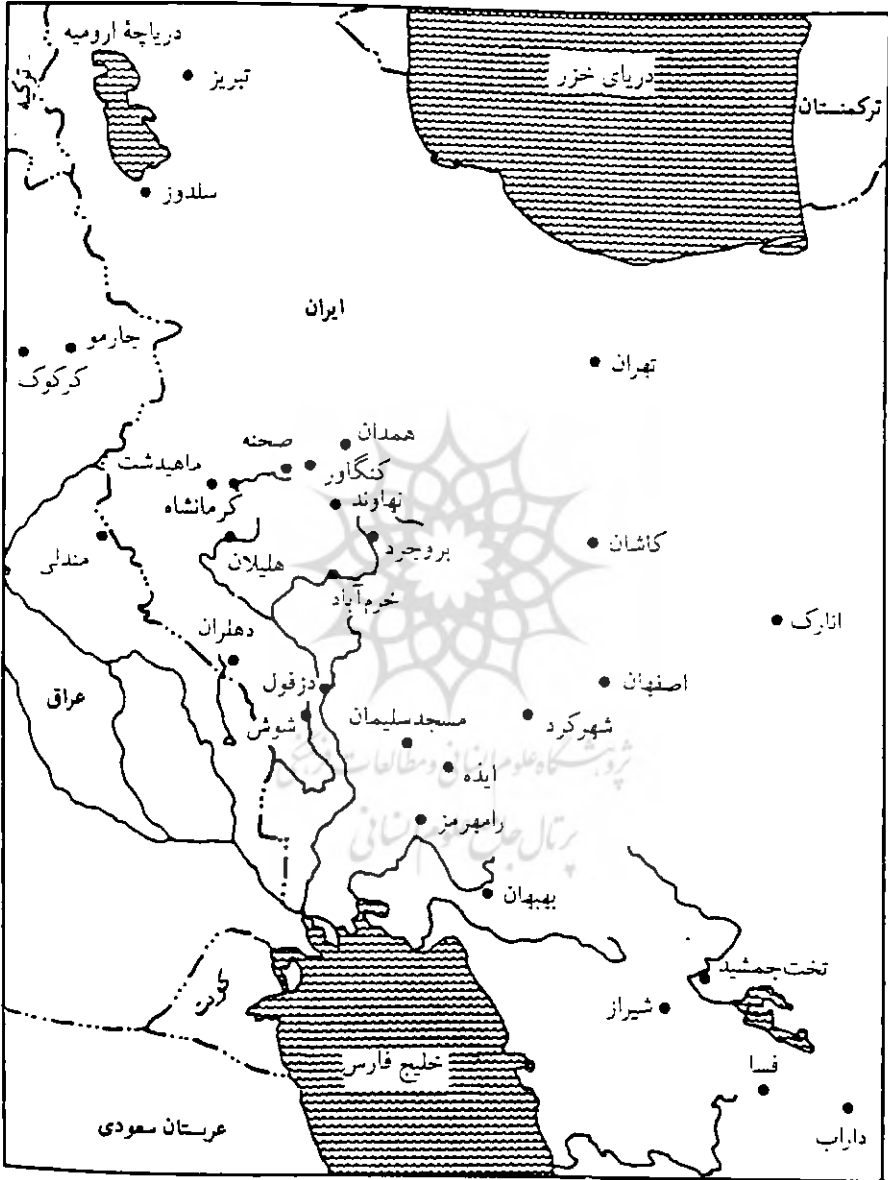
- |  |   |   |
|--|---|---|
| <p>الف - روستانشینی ابتدایی، حدود ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد<br/>ب - روستانشینی قدیم، حدود ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد<br/>ج - روستانشینی میانه [حدود] ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد (مقارن عید در بین‌النهرین)<br/>د - روستانشینی جدید، [حدود] ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد [بعد]</p>   | } | ۱ |
| <p>الف - اوروک قدیم، [حدود] ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد<br/>ب - اوروک جدید، [حدود] ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد</p>   | } | ۲ |
| <p>الف - عیلام قدیم I، [حدود] ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد<br/>ب - عیلام قدیم II، [حدود] ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، (مقارن اکد)<br/>ج - عیلام قدیم III، [حدود] ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد (مقارن کاسی‌ها و آشوری قدیم)<br/>د - عیلام میانه، حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد<br/>ه - عیلام نو، تا حدود ۶۴۵ سال پیش از میلاد (مقارن آشور)</p> | } | ۳ |

- |   |   |   |
|---|---|---|
| الف- مادی ، حدود ۷۵۰ تا ۵۵۰ سال پیش از میلاد<br>ب- هخامنشی، از ۵۵۰ تا ۳۳۱ سال پیش از میلاد<br>ج- اشکانی ، حدود ۲۵۶ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی<br>د- ساسانی ، از ۲۲۴ تا ۶۳۳ میلادی | } | ۴ |
|---|---|---|

اضافه می‌نماید این تقسیم‌بندی پس از مطالعه‌ی کامل کتاب ، برای خوانندگان تهیه شده و در متن به‌طور پراکنده از آن سخن گفته شده است. ضمناً برای استفاده‌ی بهتر خوانندگان، نقشه‌ها و تصاویری که در کتاب آمده و به نهاوند و گیان مربوط می‌شود درج گردیده است.

نویسنده یادآور گردیده مطالب کتاب تازگی دارد. به‌ویژه در مورد گیان نهاوند که حاصل تحقیقات و مطالعات دانشمندی چون رابرت شاخت (Robert Schacht) و رابرت هنریکسون (Robert Henrichson) و لوئیس لوین (Louis Levine) است، مطالب کاملاً تازه و دست اول است.

گفتنی است هنوز مطالعات این سه باستان‌شناس ، در مورد گیان ، ناشناخته مانده و امید است زمینه‌ای فراهم شود تا نتایج تحقیقات آنان در اختیار علاقه‌مندان قرارگیرد . این سه محقق دکترای تخصصی خود را به باستان‌شناسی غرب آسیا اختصاص داده و در کانادا و آمریکا به تدریس آن پرداخته‌اند.



شهرهای غرب ایران، بسیاری از مناطق نام برده در متن هم چون دره‌ها و دشت‌های کشاورزی به نام شهرهای مجاورشان خوانده شده‌اند. (ص ۱۴۴ کتاب)

### دوران روستا نشینی

بر اساس تحقیقات «فرانک هول» در زاگرس و غرب ایران دوره‌ی روستا نشینی و پیدایش نخستین روستاهای یک‌جانشین از حدود ۸۰۰۰ تا ۴۰۰۰ پیش از میلاد ادامه داشته است. توسعه‌ی کشاورزی و دامپروری و پیشرفت‌های اجتماعی مهم‌ترین عوامل آن قلمداد شده‌اند. در این دوره مردم از گیاهان و جانوران اهلی و وحشی تغذیه می‌کردند و با گسترش این روستاها گرایش به سوی کشت دیم افزایش یافته است. پس از آن کشت آبی نیز رایج می‌شود.

«در این زمان است که سلسله‌مراتب اجتماعی و نقش‌های اقتصادی گسترده، رقابت‌های نظامی و مجموعه‌های شهری همراه بود. غرب ایران، به منزله‌ی عنصری سازنده و مؤثر به‌راحتی در این تحولات سهیم بود. اگرچه مناطق دور افتاده و متفاوت آن ویژگی‌های فرهنگی خاص خود را داشت.»<sup>۱</sup>

در این دوران چهار ناحیه‌ی مرکزی تشخیص داده شده: الف- دشت‌های پست، ب- منطقه‌ی آذربایجان، ج- دره‌های زاگرس مرکزی، د- دشت‌های میان‌کوهی جنوب زاگرس در فارس. منطقه‌ی نهاوند در بخش سوم... در مسیر همان شاهراه بزرگ یا جاده‌ی خراسان... در مسیر همدان به بغداد قرار گرفته بود. تپه‌ی گیان یکی از نمونه‌های پیشرفته‌ی جوامع شبانی یا روستا نشینی بوده و مربوط به دوران نوسنگی و عصر مس می‌شود که از نظر فرانک‌هول به چهار دوره تقسیم شده: روستا نشینی آغازین، قدیم، میانه و جدید که با استفاده از تاریخ‌های رادیو کربن به جدول‌هایی جالب رسیده است.

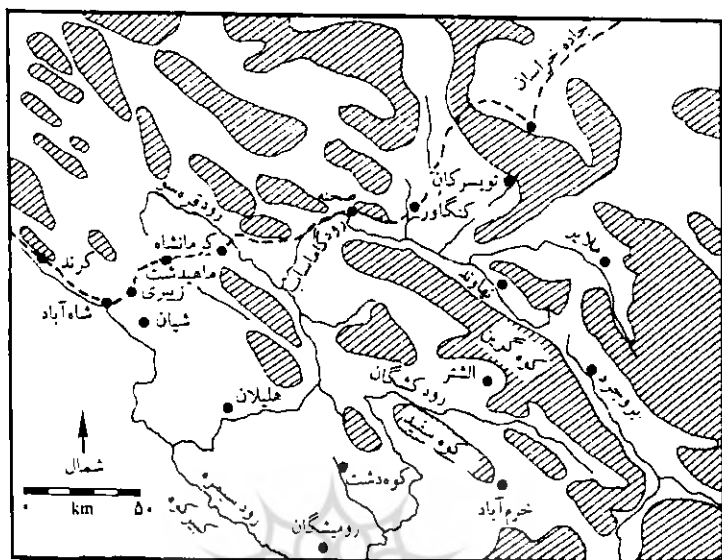
### دوره‌ی روستا نشینی آغازین

در این دوره کهن‌ترین روستاهای ایران به وجود آمده‌اند که به هزاره‌ی هفتم پیش از میلاد می‌رسد و خانه‌های آن‌ها از گل ساخته شده و اتاق‌هایی چهار گوش داشته است. در همین روستاها در مراحل پیشرفته بناها و ساختمان‌هایی عمومی برای مراسم و تشریفات و یا دفاع از روستا به وجود آمده است و بیش‌تر آن‌ها یک یا دو هکتار مساحت داشته‌اند و از ابزارهایی سنگی و سفالی استفاده می‌کرده‌اند.

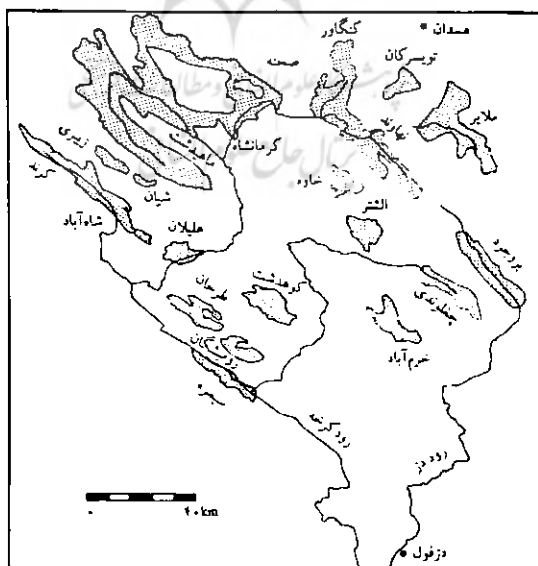
فرانک هول، فلائری، اسمیت، یانگ و پولار درباره‌ی ایران مطالعه کرده‌اند و بر پایه‌ی حفاری‌هایی که در ده محوطه‌ی باستانی پرداختند - ضمن حفاری دوست محوطه‌ی دیگر ... که به حدود ۸۰۰۰ تا ۵۰۰۰ قمری میلادی مربوط می‌شد و دوران نو سنگی را به خوبی نشان می‌داد - آن‌ها سه هزار کیلومتر را از آذربایجان تا فارس بررسی کردند. این زیستگاه‌ها پراکنده بوده‌اند و به سبب فرسایش، رسوب‌گذاری و عوامل دیگر هنوز درباره‌ی آن‌ها به اظهار نظرهایی کلی اکتفا کرده‌اند و شناسایی زندگی انسان‌ها در این دوره، هنوز در ابتدای راه است.

پژوهشگران در این محدوده، به‌طور عمده در مورد کشاورزی مطالعه کرده‌اند و تا حدودی به شاخص‌های هر روستا در فناوری خاص آن پی برده‌اند.





ناحیه‌ی زاگرس مرکزی، شهرهای جدید را نشان می‌دهد که دره‌های پیرامون نامشان را از آن‌ها گرفته‌اند. خط منقطع جاده‌ی خراسان یا شاهراه بزرگ است که از همدان واقع در فلات ایران به بغداد، واقع در دشت‌های زیرین، امتداد دارد. (ص ۱۵۲ کتاب)



دشت‌های میان‌کوهی آبریز کرخه (ص ۱۵۳ کتاب)

### دوره‌ی روستا نشینی جدیدتر

مؤلف کتاب این دوران را شامل دوره‌ی روستا نشینی قدیم، میانه و جدید دانسته‌اند، که زیربنای زندگی کشاورزی و دامپروری ایران را تا آستانه‌ی قرن بیستم در برمی‌گیرد. باستان‌شناسی، این دوره را عصر مس و سنگ نیز می‌گویند و نشانه‌ی اصلی آن سفال‌های نقش‌دار و بیش‌تر نخودی رنگ است که در گیان نهاوند نیز پیدا شده است. این سفال‌های نخودی مربوط به هزاره‌ی ششم و پنجم است. در این عصر زیستگاه‌ها رو به فزونی نهاده‌اند و سکوهایی ساخته شده که زیربنای معابد بود.

در منطقه‌ی نهاوند مانند دیگر بخش‌های غربی ایران، دشت‌های کشاورزی، کوچک و ناپیوسته بوده‌اند. ضمن این که سفال‌های آذربایجان تا فارس و از جمله این منطقه، با هم قابل مقایسه هستند. با تشکیل زندگی یک‌جا نشینی، بازهم دسته‌های پراکنده‌ای از شکارچیان و گردآورندگان غذا در اردوگاه‌هایی وجود داشته‌اند که محل خود را تغییر می‌دادند. مانند اردوگاه آسیاب در ماهی‌دشت کرمانشاه و مناطق دیگر. مدارکی از شکار گوسفند، گوزن قرمز، خوک و بز وحشی وجود دارد.

مردم اجساد مردگان را در گودال‌هایی می‌نهادند که احتمال می‌دادند نوعی پناهگاه بوده است. ضمن این که هم زمان، ساختمان‌های مدور به چهارگوش تبدیل شده است. فرانک هول می‌گوید:

«طبق نظر فلاتری شکل خانه‌ی مدور، همانند ساختمان‌های جنوب غرب آسیا و جاهای دیگر است. او تبدیل خانه‌ی مدور را به خانه‌ی چهارگوش هم گام با دگرگون شدن اقتصاد و سازمان اجتماعی می‌داند! این دگرگونی زمانی رخ داد که کشاورزی جایگزین زندگی کوچ‌نشینی، شکار و گردآوری غذا شد و جوامع بزرگ‌تر شدند.

هنوز به درستی نمی‌دانیم که چه بر سر شکارچیان دوره‌ی «پلیستوسن» آمده است. همه‌ی آن‌چه می‌توانیم بگوییم این است که صنعت زارزیان (Zarzian) که تا اواخر دوره‌ی «فرا پارینه سنگی» در زاگرس مستقر بود، در دوره‌ی پلیستوسن یا پس از آن، از

بین می‌رود. ولی احتمال دارد در برخی نواحی تا مدت‌های طولانی، شکارچیان در کنار کشاورزان اولیه روش زندگی آن‌ها را ادامه داده باشند. در این صورت بین آن‌ها، تأثیرهای متقابل، همکاری‌ها و دشمنی‌ها وجود داشته است.<sup>۱</sup>

این همکاری هم در زمینه‌ی تجارت و مبادله‌ی کالا بوده و هم در حمله به گله و رمه‌ی روستائیان، که گاهی انبارهای آن‌ها را تاراج می‌کرده‌اند. به‌رحال همین شکارچیان نقشی اساسی در اهلی‌سازی حیوانات داشته‌اند و روستائیان را به سوی پیشرفت اقتصادی رهنمون می‌شده‌اند. ابزارها و سفال‌های فراوانی از این دوره، به ویژه در محوطه‌ی علی‌کش، چغا سفید، تپه سبز، فرخ آباد و موسیان به دست آمده است. مطالعه‌ی این مناطق و دیگر محوطه‌های غرب ایران نیاز به تحقیق‌هایی جداگانه دارد.

#### گیان، محوطه‌ای استثنایی

در منطقه‌ی پشت‌کوه لرستان و جنوب کردستان زیستگاه‌هایی مربوط به دوره‌ی روستانشینی میانه یا جدید کشف شده است. «لوئیس وندنبرگ»، که از سال ۱۹۶۵ میلادی در جست‌وجوی معبدهایی از عصر مفرغ بود، به این زیستگاه‌ها پی‌برد. مانند گورستان‌های «هکلان» و «پرچینه» که در حقیقت همسایه‌های گیان نه‌اند به شمار آمده و سرنوشت آن‌ها شبیه به هم بوده است.

سفال‌های نخودی از مشترکات این زیستگاه‌ها به‌شمار می‌آید. هم‌چنین آغل‌هایی که برای بره‌ها و بزغاله‌ها داشته‌اند. در گورستان‌های این مناطق، اشیائی به‌دست آمده‌است مانند مهر، سرگرز، تبر، سنگ‌ساب، سنگ آتش‌زنه و مهره که کاربردهای مختلفی داشته‌اند. نزدیک‌ترین همسایه‌های گیان نه‌اند در دوره‌ی روستانشینی آغازین یا نوسنگی، در هلیلان و در تپه‌های اطراف کرمانشاه به ویژه کنگاور است و قابل مطالعه است.

فرانک‌هول می‌نویسد: «منطقه‌ی کنگاور در زاگرس مرکزی - این‌بخش از کوه‌ها، معروف به پیش‌کوه، شامل رشته‌ای از دره‌ها در ارتفاعات بلند است که تا شمال شرق

کوه سفید کشیده شده است و دیواری صخره‌ای به طول ۱۶۰ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین این دره‌ها عبارت‌اند از: مجموعه‌ی دره‌های کنگاور، اسدآباد، صحنه، نهاوند - خاوه، هرسین، بروجرد و الشتر. بررسی جامع و فشرده‌ای در دره‌های کنگاور به عمل آمده [است]، اما از دره‌های دیگر فقط بازدیدی مقدماتی و سطحی صورت گرفت.

منطقه‌ی کنگاور در برنامه‌ی گودین بررسی شد. «یانگ» و «اسمیت» (یانگ ۱۹۶۶، ۱۹۷۵ الف و ب؛ (یانگ و اسمیت، ۱۹۶۶) درست در جنوب حوضه‌ی گاماساب (Gamasa-ab) به کار پرداختند «گاف» (۱۹۶۸، ۱۹۷۱) محدوده‌ی وسیعی از پیش‌کوه را بررسی کرد؛ «استین» از الشتر بازدید کرد؛ «یانگ» (۱۹۶۶) بروجرد را دید و «گذار» (۱۹۳۱) و «اسمیت» و «مورتسن» (۱۹۸۰) در سال ۱۹۷۷ حوالی هرسین را بررسی کردند. حفاری‌ها نیز بسیار پراکنده انجام شده است و از نظر گاه‌نگاری از گیان، نزدیک نهاوند (کتنو و گیرشمن ۱۹۳۵) آغاز می‌شود.<sup>۱</sup> در همین حوضه به گنج دره در حوضچه‌ی گاماساب نیز اشاره شده که روستایی با سفال‌های بسیار قدیمی دارد. مؤلف در ادامه می‌گوید: «کتنو و گیرشمن (۱۹۳۵)، در سال ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲، نخستین حفاری مهم را در لرستان در منطقه‌ی تپه‌ی گیان در نزدیکی نهاوند انجام دادند. آن‌ها متوجه شدند که کشاورزان قبلاً برای یافتن خاک حاصل‌خیز و استفاده از آن در مزارع خود این تپه را حفاری می‌کردند و زبان‌های سنگینی به آن وارد کرده‌اند. متأسفانه، این کار تا امروز ادامه یافته است. به طوری که در واقع چیزی از این تپه، که زمانی در شمار پهناورترین محوطه‌های سراسر لرستان بود، باقی نمانده است. حفاران، با ایجاد گمانه‌هایی به شکل‌های تقریباً نا منظم، به گمانه‌زنی در لایه‌های تپه پرداختند. با توجه به معیارهای جدید، این عملیات ابتدایی بود. ولی زیربنای همه‌ی اقدامات تطبیقی انجام‌شده تا زمان حفاری گروه یانگ در گودین و سه‌گابی قرار گرفت. ظاهراً سراسر دوره‌ی روستا نشینی جدید در گیان وجود دارد.

چکیده‌ی گاه‌نگاری‌های منطقه‌ای، هزاره‌ی سوم تا دوم ق.م. (ص. ۳۹۰ کتاب)

تاریخ مطلق ق.م.	بین‌النهرین	جلگه دشتهای پست: خوزستان	زاگرس مرکزی: لرستان	فارس و کرمان؛ مرودشت	جدول مرتبط در این کتاب
۲۷۰۰	سلسله قدیم II-I	شوش III	گودین IV	بانش یعنی IVB/قدیم	جدول ۳۱
	سلسله قدیم III	شوش IVa (عیلام قدیم I)	گودین III/۶ باباجان ۵	جلیان	
	آکدی	شوش IVb	گودین III/۵	یعنی IVB/جدید	
۲۲۰۰	اور III	شوش V (عیلام قدیم II)	گودین III/۴ گیان IVA	کفتری؛ شفا- تیموران قدیم	جدول ۳۲
۲۰۰۰	بابل قدیم آشور قدیم	عیلام قدیم IIIA	گیان III, IVC گودین III/۲		جدول ۳۳
۱۶۵۰		شرف‌آباد (عیلام قدیم IIIB)	گودین III/۱	قلعه؛	
۱۴۷۵	کاسی	هفت‌تپه (عیلام میانه I)	گیان II	شفا- تیموران میانه	جدول ۳۴
۱۳۰۰	آشور میانه	چغازنبیل (عیلام میانه II)	گیان I	عیلام شفا- تیموران میانه جدید	جدول ۳۵
۱۰۰۰	آشورنو	عیلام‌نو			

تذکر این نکته لازم است که با وجود در دست نبودن اطلاعات معماری، حفاران اشیائی مسی کشف کردند. از جمله تبری شبیه تبر مکشوف از شوش و تعدادی مهر، که روی یکی از آنها نقش بزکنده شده است (کتتو و گیرشمن ۱۹۳۵، ص ۶۶، لوح ۳۸: ۲۱). آمیه (۱۹۸۰: لوح ۴) نیز مهرهایی از لایه ۷ چاپ کرده است. این اشیاء فقط این را می گوید که احتمالاً گیان محوطه‌ای استثنایی در دوره‌ی روستا نشینی کهن بوده است و در صورت وجود حجم قابل توجهی از لایه‌های ویران نشده، انجام حفاری‌هایی به شیوه‌ی جدید لازم است.<sup>۱</sup>

با این که این بررسی‌ها کامل نیست، اما نکات ناگفته‌ای از حفاریات تپه‌ی گیان نهایند را برای خوانندگان روشن می‌سازد. این نتایج، اطلاعات سودمندی از الگوی شبانی در دوره‌های پیش از سفال و پس از سفال را در اختیار باستان‌شناسان قرار می‌دهد. بلکه این داده‌ها تا حدی نشان می‌دهند که در میان زیستگاه‌های نواحی مرتفع و دشت‌های حاصل‌خیز زمین‌های پست، همانندی‌هایی وجود دارد.

یکی از هدف‌های مطالعات باستان‌شناختی، شناخت شباهت‌ها، تفاوت‌ها و دگرگونی‌های جوامع بشری است. از این رو محققان با این منظور به مطالعه‌ی زیستگاه‌های غرب ایران و گیان نهایند پرداخته‌اند.

در دوران روستا نشینی آغازین هنوز روشن نشده که درجه مرحله‌ای روستاهای دائمی غرب ایران تشکیل شده‌اند و زیستگاه‌هایی چون گیان، از چه دورانی کوچ نشینی را رها نموده و به یک‌جا نشینی رسیده‌اند. فرانک هول عقیده دارد که در دوران روستا نشینی قدیم محوطه‌های باستانی در غرب ایران افزایش چشم‌گیر داشته است.

«به نظر مک دانلد (۱۹۷۹، ص ۵۵۶-۵۷۱) در منطقه‌ی کرخه از دوره‌ی نوسنگی جدید به بعد تمایل به یک‌جا نشینی بیش‌تری شده است. او هم‌چنین مشاهده کرده که در

بعضی دره‌ها، مانند نهاوند، منابع غنی سنگ آتش‌زنه وجود ندارد. به همین دلیل در هزاره‌ی ششم، زیستگاهی در آن‌جا استقرار نیافته است. در هزاره‌ی پنجم، کاهش وابستگی به سنگ آتش‌زنه و پراکندگی کارآمد تیغه‌ها احتمالاً تا حدی این مشکل را برطرف کرده است. با وجود این، در این دوره هنوز محوطه‌های تخصصی شناخته نشده است.

فعلاً، الگوی زیستگاهی این دوره را می‌توان الگویی پراکنده توصیف کرد، طبق آمارهای تقریبی و ناقص به طور متوسط ۱۵ تا ۹۵ کیلومتر مربع زمین برای هر روستا موجود است.<sup>۱</sup>

در دوران روستا نشینی میانه بیش‌ترین محوطه‌های باستانی پدیدار می‌شود. احتمال داده‌اند که در همین دوره کشت آبی آغاز شده و همه‌ی محوطه‌های باستانی در نزدیکی منابع آب تشکیل شده‌اند. اما این معیار قطعی به شمار نمی‌آید. میزان تراکم هر محوطه در این عصر برای هر یک محوطه از ۱۳ تا ۲۰ کیلومتر مربع بوده است.

در دوران روستا نشینی جدید از شمار محوطه‌های باستانی کاسته شده و چند منطقه از سکنه خالی شده‌اند. این مطلب را نتیجه‌ی تغییر شرایط آب و هوایی می‌دانند. این امر باعث گردیده که در ایران جمعیت کاهش یابد و در بین‌النهرین (دوره‌ی اوروک قدیم تا جدید) افزایش عظیم جمعیت مشاهده شود.

یکی از دلایل این کاهش جمعیت را مهاجرت روستائیان ایرانی در اواخر دوره‌ی روستا نشینی جدید به سوی رسوبات بین‌النهرین نوشته‌اند. تنها مورد استثنایی را محوطه‌های باستانی کنگاور نوشته‌اند که جمعیت آن افزایش یافته است. چه بسا دلیل آن شرایط اقلیمی مرطوب‌تر و امکان کشاورزی دیمی در آن‌جا باشد.

مساحت (به کیلومتر مربع) هر روستا در چند دره‌ی برگزیده‌ی ایران و عراق (ص ۲۱۱ کتاب)

منطقه و دره	مساحت (کیلومتر مربع)	تعداد روستاها	کیلومتر مربع برای هر روستا	منابع داده‌ها
دشتهای پست				
دهلران	۲۹۸	۳	۹۹/۳	مجموعه‌های "۱/۴"
شوشان (ناحیه جنوب دزفول)	۲۲۳	۵۵	۴/۱	[گرملیزا ۱۹۶۲: ۳۸، جدول ۵]
آذربایجان				
سلدوز	۲۰۳	۲۶	۷/۸	مجموعه‌های "۱/۴"
اشنو	۱۴۹	۷	۲۱/۳	مجموعه‌های "۱/۴"
آبریز کرخه در زاگرس مرکزی				
ماهیدشت		۵		[مک دانلد ۱۹۷۹: ۱۱۶، ۱]
کنگاور		۵		[مک دانلد ۱۹۷۹: ۱۱۶، ۱]
نهاوند		۵		[مک دانلد ۱۹۷۹: ۱۱۶، ۱]
شاه‌آباد		۸		[مک دانلد ۱۹۷۹: ۱۱۶، ۱]
هلیلان	۹۱	۷	۱۳	مجموعه‌های "۱/۴"
رومیشگان	۱۲۹	۲	۶۵	مجموعه‌های "۱/۴"
کوه‌دشت	۲۳۴	۱۴	۱۶/۷	مجموعه‌های "۱/۴"
خرم‌آباد	۱۰۴	۱۳	۸	مجموعه‌های "۱/۴"
سیمره	۱۲۸	۱۰	۱۲/۸	مجموعه‌های "۱/۴"
کنگاور-اسدآباد	۱۰۴۰	۹۶	۱۰/۸	[کریمر ۱۹۸۲، ص ۱۵۷]
جنوب زاگرس-فارس				
حوضچه رودکر	۲۵۰۲	۱۰۸	۲۳/۲	[سامنر ۱۹۷۲، ص ۱۷۴-۱۷۵]
فسا	۱۳۳	۱۷	۷/۸	مجموعه‌های "۱/۴"
شمال عراق				
چم‌چه‌مال	۹۳۴	۶۴	۱۴/۶	[کریمر ۱۹۸۲، ص ۱۸۶-۱۸۷]

یادداشت: منابع اطلاعاتی کنگاور و نواحی مورد بررسی مک‌دانلد و کریمر تفاوت داشت. ناحیه جنوب دزفول در شوشان مستعدترین زمین آبیاری بین رودهای دز و شور را دربرمی‌گیرد. نقشه‌های مجموعه‌های "۱/۴" را ارتش بریتانیا در سال ۱۹۴۲، بر اساس "۱/۴" به مایل، تاریخگذاری کرده‌اند. مساحت‌های دره‌ها که با پلانیمتر از مجموعه‌های "۱/۴" محاسبه شدند، محوطه‌های دوره روستانشینی و روستاهای جدید را شامل می‌شوند. این مساحت ممکن است تفاوت چشمگیری با مساحت‌های دیگر نویسندگان داشته باشد. مک‌دانلد شمار روستاها یا مساحت دره را ارائه نمی‌دهد.



در این دوره تعدادی سفال‌های وارداتی در غرب ایران پیدا شده و «با شگفتی با فقدان اجساد افراد بالغ و اشیاء تزئینی مشخص روبه‌رو هستیم. تقریباً همه‌ی گورهای این دو دوره به نوزادان یا جنین‌ها تعلق دارد و پس از مدتی یک یا چند ظرف نیز در آن‌ها کشف شده است.

هم‌چنین تقریباً همه‌ی اجساد، در گورهای ساخته‌شده از خشت‌خام یا سنگ قرار داشتند. در دره‌های شرقی آبریز کرخه مواردی یافت شده است که با این قاعده تفاوت دارد. در آن‌جا نوزادان ساکنان دره‌های گیان، سه‌گابی B و کوزه‌گران درون ظروفی جای گرفته بودند و در تپه‌ی دالما، هشت جنین یا نوزاد به حالت کاملاً فشرده و جمع شده در خمره‌هایی زیر کف‌خانه‌ها دفن شده بودند.<sup>۱</sup>

البته در طول دوره‌ی روستا نشینی میانه، خاک‌سپاری مردگان به شیوه‌ای رسمی و روشمند انجام می‌شد و در دوره‌ی روستا نشینی جدید، گورستان نیز یافت شده است. تا آن‌جا که باستان‌شناسان گورهای ثروتمندان را از فقرا جدا کرده‌اند. در جاهایی که گورها یکسان بوده‌اند، چنین نتیجه گرفته‌اند که جامعه‌ای تقریباً بی طبقه وجود داشته است.

در مورد اندازه‌گیری محوطه‌های باستانی نیز تحقیقاتی صورت گرفته که به گیان نهایند نیز پرداخته‌اند. از جمله نوشته‌اند: «تپه‌ی گیان در ۱۷۰ کیلومتری شوش، محوطه‌ی باستانی بزرگ دیگری (با حد اکثر سه هکتار مساحت) در دره‌ی نهایند است. از این محل، تبری مسی مشابه تبرهای مکشوف از گورستان شوش به دست آمد. ولی هیچ‌یک از سفال‌های کشف شده به سفال‌های شوش شباهت نداشت.

چنان‌که تپه‌ی گیان مرکز بوده باشد، احتمالاً بر امر داد و ستد در امتداد جاده‌ی مس که از فلات تا دشت کشیده شده بود، کنترل کاملی داشته و جمعیت آن شامل شمار زیادی از مردم کوچ نشین بوده است.<sup>۲</sup>

۱- باستان‌شناسی غرب ایران، ص ۱۸۴

۲- باستان‌شناسی غرب، ص ۱۸۸

چکیده‌ی گاه‌نگاری‌های منطقه‌ای، هزاره‌ی سوم تا دوم ق.م. (ص ۳۹۰ کتاب)

تاریخ مطلق ق.م.	بین‌النهرین	جلگه دشتهای پست: خوزستان	زاگرس مرکزی: لرستان	فارس و کرمان؛ مرودشت	جدول مرتبط در این کتاب
۲۷۰۰	سلسله قدیم II-I	شوش III	گودین IV	بانش	جدول ۳۱
				یحیی IVB/قدیم	
	سلسله قدیم III	شوش IVa	گودین III/۶	جلیان	
		(عیلام قدیم I)	باباجان ۵		
	آکدی	شوش IVb	گودین III/۵	یحیی IVB/جدید	جدول ۳۲
۲۲۰۰	اور III	شوش ۷	گودین III/۴		
	ایسین-لارسا	(عیلام قدیم II)	گیان IVA	کفتری؛	
۲۰۰۰	بابل قدیم	عیلام قدیم IIIA	گیان III , IVC	شغا- تیموران قدیم	جدول ۳۳
	آشور قدیم		گودین III/۲		
۱۶۵۰		شرف آباد (عیلام قدیم IIIB)	گودین III/۸	قلعه؛	
۱۴۷۵	کاسی		گیان II	شغا- تیموران میانه	جدول ۳۴
		هفت تپه (عیلام میانه I)			
۱۳۰۰	آشور میانه	چغازنبیل	گیان I	شغا- تیموران	جدول ۳۵
		(عیلام میانه II)	میانه	جدید	
۱۰۰۰	آشورنو	عیلامنو			

## «رابرت شاخت» و گیان نهاوند:

«رابرت شاخت» در مقاله‌ی فرهنگ‌های تاریخی اولیه به منطقه‌ی زاگرس مرکزی پرداخته و جایگاه قوم کاسیت را در نیمه‌ی هزاره‌ی دوم پیش از میلاد تشخیص داده و یادآور گردیده که در شیب‌ها و دره‌های کوه‌گرمین زیستگاه‌های مختلفی وجود داشته است. وی این منطقه را کانون اصلی سنت‌های سفال‌سازی در جنوب غرب ایران دانسته و نمونه آن را گیان نهاوند نوشته است.

وی در مورد کوه‌گرمین که بیش از ۳۲۸۰ متر ارتفاع دارد و دربارهِ دره‌ها و دشت‌هایش می‌نویسد: «دشت کنگاور که در ۱۳۷۰ تا ۱۶۷۵ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد، مرکز اصلی ارتباطات در امتداد بزرگراه (جاده‌ی خراسان)، از بین‌النهرین تا داخل فلات ایران، توصیف شده است. حوضچه‌ی کنگاور به شکل ۷ درآمده و بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. حفاری‌های انجام شده در تپه‌ی گیان در شاخه‌ی نهاوند (کنتنو و گیرشمن ۱۹۳۵) و گودین تپه در نزدیکی شهر کنگاور، این حوضچه را به خوبی شناسانده است.

رود گاماساب از طریق دره‌ی باریکی به درازای ۱۹ کیلومتر از حوضچه‌ی کنگاور جدا می‌شود و سپس به دشت صحنه با تقریباً ۳۲ کیلومتر درازا و ۱۰ کیلومتر پهنا می‌ریزد. یانگ (۱۹۶۶) این دره را در سال ۱۹۶۱ بررسی کرد و چهار محوطه‌ی متعلق به هزاره‌های دوم یا سوم در آن یافت. دره‌ی بروجرد از نظر جغرافیایی از دیگر بخش‌های این منطقه‌ی شمال‌غربی متمایز است و دست‌کم در ۳۰ کیلومتری شرق نزدیک‌ترین قسمت‌های دشت‌های نهاوند و الشتر واقع شده است.<sup>۱</sup>

او در مورد زاگرس مرکزی می‌نویسد: «بین کوه‌گرمین و کوه‌سفید، شمار محوطه‌های باستانی از فقط دو محوطه در دشت الشتر در دوره‌ی گودین ۶: III، به محوطه‌های پراکنده‌ای در سراسر دره‌های مجاور در دوره‌ی گودین ۵: III، افزایش می‌یابد ... طبق

نظر دایسون (۱۹۷۳)، در لرستان دوره‌ی سوکالماخ هم‌زمان با گودین ۲: III (فصل ۸) و گیان III ظاهر می‌شود.

گسترش سنت گیان III-IV در این زمان رخ داده و با سفال‌هایی همراه بود که به فراوانی در ناحیه‌ای موسوم به کوه‌گرین در منطقه‌ی زاگرس مرکزی کشف شده‌است. بنا به اظهارات دایسون در مورد دوره‌های اولیه، با تجمع جمعیت و تکمیل «شهرها»، که بزرگ‌ترین آن‌ها «گیریران» در دشت گزارش شده است، شمار محوطه‌ها کاهش یافت. احتمالاً «گیریران» در این دوره کاملاً مسکونی بوده است (۱۳ هکتار). گیان نیز در این زمان آن‌قدر وسعت داشته که شهری بزرگ خوانده شود.<sup>۱</sup> او عقیده دارد که سفال گیان II در بخش کوه‌گرین متمرکز شده و چند محوطه‌ی باستانی در دره‌ی هیلان مانند تپه گوران بازماندگان سنت گیان در جنوب کوه سفید هستند.

بزرگ‌ترین محوطه‌های دوره‌ی روستانشینی میانه/جدید (ص ۲۱۶ کتاب)

منطقه	۱۰-۱۵ هکتار	۵-۱۰ هکتار	۲-۵ هکتار	کل محوطه‌ها	فاز
دهلران	۰	۰	۲	۱۲	فرخ
شوشان	۱	۰	۰	۷۷	شوش A قدیم
هیلان	۰	۰	۰	۸	عصر مس قدیم
سیمره	۰	۰	۱	؟	عبید جدید
ماهیدشت	۰	تعدادی	؟	۱۳۴	عبید
کنگاور	۰	۰	۰	۷۰	سفال J
	۰	۰	۰	۲۳	حسین آباد
	۰	۰	۰	۱۷	سه گابی
نهاوند	۰	۰	۰	؟	عبید جدید (گیان ۲ هکتار)
رودکر	۰	۱	۲	۱۴۶	باکون
داراب	۰	۱	۰	۲۵	باکون
فسا	؟	؟	؟	۴۲	باکون
اور-اریدو	۱	۱	۱	۷-۱۱	عبید جدید
اوروک	۰	۱	۰	۵-۷	عبید جدید

«رابرت شاخت» در مورد دوران عیلام میانه II (۱۳۰۰-۱۰۰۰ ق.م) که دوران حاکمیت کاسیت‌ها نیز بوده است، در مورد گیان نهاوند عقیده دارد که سنت عصر مفرغ که در گیان II-IV بود جای خود را به مجموعه‌ی آثار فرهنگ‌های سفال خاکستری ۱ عصر آهن داده است. او دره‌ی سوکالماخ یا عیلام قدیم III A را مقارن با گیان II-III دانسته است.

#### «رابرت سی. هنریکسون» و گیان

هنریکسون در مقاله‌ای به زاگرس مرکزی و تپه‌ی گیان نهاوند در دوره‌ی ۲۶۰۰-۱۴۰۰ پیش از میلاد پرداخته است. او می‌نویسد: «تقریباً مدت پنجاه سال گاه‌نگاری سفالی نیمه‌ی هزاره‌ی سوم تا نیمه‌ی هزاره‌ی دوم قمری میلادی در زاگرس مرکزی (لرستان جدید)، به نتایج حفاری‌های تپه‌ی گیان در دره‌ی نهاوند بستگی داشت. لایه‌های II-IV گیان، با سنت متمایز سفال نخودی منقوش یک‌رنگ مشخص شده است (کننتو و گیرشمن ۱۹۳۵). با این حال، داده‌های به دست آمده فقط گورهایی است که جایگاه‌ها و روابط لایه‌نگاری آن نامعلوم است. اگرچه از توالی گیان تفسیرهای متفاوتی شده است، همه‌ی ارزیابی‌ها در اصل بر پایه‌ی رده‌شناسی استوار است که طرح‌های منتشر شده، مدارک کمی از آن ارائه می‌دهد. افزون بر این، گیان II-IV فقط نشان دهنده‌ی نیمه‌ی دوم دوره‌ی مورد نظر در این جاست.»<sup>۱</sup>

او نیز عقیده دارد که گیان نهاوند در مسیر جاده‌ی بزرگ یا شاهراه خراسان قرار داشته است. وی در مورد این جاده و راه‌های مختلف آن می‌نویسد: «دو جاده‌ی مهم شمالی از دشت‌های شوشان به بزرگراه در سوی دیگر کوه گرین کشیده شده است.

جاده‌ی سومی در امتداد نمای شرقی کبیر کوه به سمت شمال امتداد یافته است. توزیع محوطه‌های (باستانی) را می‌توان در شش ناحیه‌ی جغرافیایی توضیح داد:

- ۱- شرق کوه گرین (دره‌های کنگاور، اسدآباد، صحنه، نهاوند، ملایر و بروجرد)
- ۲- پیش کوه شرقی بین کوه گرین و کوه سفید (دره‌های کاکاوند، چاوری، خاوه، الشتر و خرم‌آباد)
- ۳- پیش کوه غرب (دره‌های هلیلان، کوه‌دشت، رومیشگان، طراحان و سیمره)
- ۴- دره‌ی ماهی‌دشت
- ۵- پشت کوه
- ۶- خوزستان و دشت‌های بین‌النهرین.<sup>۱</sup>

سپس به مطالعه‌ی آن‌ها می‌پردازند و مقایسه‌ی جالبی بین سفال‌های مختلف گودین و گیان انجام می‌دهد. او عقیده دارد که مجموعه‌ی سفال‌گودین IV که خاکستری - سیاه صیقلی بوده، فقط به دره‌های شرق کوه گرین یعنی نهاوند، بروجرد، ملایر، کنگاور و اسدآباد راه یافته است.

در ادامه‌ی این مقایسه وی می‌نویسد: «می‌توان دو ناحیه‌ی اصلی را در این منطقه براساس تفاوت‌های سبکی در تزیینات مشخص کرد: ۱- دره‌های شرق کوه گرین (نهاوند و کنگاور)، ۲- دره‌های بین کوه گرین و کوه سفید و ماهی‌دشت.

در دره‌های کنگاور و نهاوند، واقع در شرق کوه گرین، پر نقش و نگارترین سفال منقوش به دست آمد. در تزیین این سفال، تعداد زیادی خطوط ظریف نقوش نسبتاً پیچیده به‌ویژه در کناره‌ها دیده می‌شود. نقش‌مایه‌های پرکاری چون «کبوترهای شانه‌شکل» و یک‌ستاره‌ی درون دایره، که هر دو در ظرف گیان IVA دیده می‌شود، نمونه‌های شاخص است. ولی طرح‌های ساده‌تری نیز چون ردیف‌های خشت‌ها یا

قبل از میلاد

میلاد	گودین پ	ته‌گیان	باباجان	ماه‌دشت	روم‌شنگان	پشت‌کوه	شوش	بین‌النهرین
۱۴۰۰	III:۱	۶۴, ۶۵, ۷۱, (۷۲), ۷۳, ۷۷	Tr. C. gr. ۳					
۱۵۰۰	III:۲ پس از III:۲ گورها	۷۹-۸۲ (IIa-b)				سراب‌باغ	شیر سلطنتی I	کاسی
۱۶۰۰	وقفه							
۱۷۰۰	III:۲	gr. ۸۳-۱۰۱ (۱۰۳), ۱۰۵-۱۰۷, (۱۰۸), ۱۱۰, ۱۱۲, ۱۱۵ (III, IVc)	لایه ۴					O.B.
۱۸۰۰	وقفه							
۱۹۰۰	III:۴	gr. ۱۱۱, ۱۱۳, ۱۱۶, ۱۱۶- ۱۱۹ (IV A)		گودین III			St. ۳-۴	ایسین-لارسا
۲۰۰۰	وقفه							
۲۱۰۰	III:۵	gr. ۱۰۲	لایه ۵ اتاقک شوش				St. ۵-۶	اور III پس از آکدی
۲۲۰۰	وقفه							
۲۳۰۰	III:۵						St. ۷-۸	آکدی
۲۴۰۰	وقفه							
۲۵۰۰	III:۶					کله‌نر	St. ۹-۱۲	نک رنگ العید
۲۶۰۰	وقفه					دارتھا		E.D.IIIa
۲۷۰۰	IV					بنی شرمه	St. ۱۳-۱۵	E.D.II

لوزی‌های هاشورزده رایج است. با این حال، حتی در این منطقه هم از دره‌ای به دره‌ی دیگر تنوع قابل درکی وجود دارد. مثلاً کوره‌های زاویه‌دار بزرگ با نقش مایه‌ی موجودات‌شانه‌ای شکل از تپه‌ی گیان، نقوشی استادانه‌تر و دقیق‌تر از کوزه‌های گودین تپه دارد. نقش مایه‌ی یک جفت اردک، بلندتر و باریک‌تر از اردک‌های منقوش روی سفال گودین ۵: III، فقط در سفال‌های گودین تپه یافت شده است.

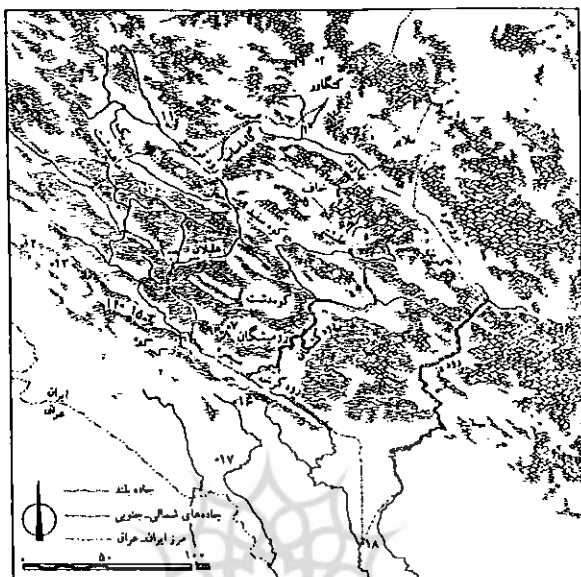
برجستگی‌های کوتاه به کار رفته در تزیین قسمت پایین این کوزه‌های بزرگ، در سفال‌های گودین تپه و تپه‌ی گیان یافت شده‌است. در منطقه‌ی بین کوه گرین و کوه سفید و در ماهی دشت، مجموعه سفالی مشابه کشف شد، ولی سفال نقوش تزیینی هندسی ساده‌تری دارد.<sup>۱</sup>

وی در ادامه‌ی مقایسه‌ی سفال گودین با سفال گیان نهاوند، اغلب سفال‌های گودین ۲: III را با گیان III هم دوره می‌داند و ادامه می‌دهد: «برپایه‌ی عناصر تمایز دهنده‌ی سبکی و سفالی گوناگون، دست کم دو گروه را می‌توان در دره پیشنهاد کرد: ۱- کنگاور، صحنه و ماهی دشت، ۲- نهاوند، میربیگ (باباجان) و رومیشگان. در حال حاضر، سفال خاکستری گودین ۲: II فقط در دره‌ی کنگاور یافت شده‌است. هرچند ممکن است این سفال در جای دیگر به این صورت شناخته نشده باشد. سفال منقوش سرخ‌رنگ لایه‌ی ۲: II در گودین تپه در مقایسه با گورهای واقع در جنوب و غرب گیان (نهاوند) چغا سبز و کم‌ترلان (هر دو در رومیشگان) کمیاب است. نوارهای سرخ همراه با تزیینات رنگین پیچیده‌تر در گودین تپه، جمشیدی و گیان به دست آمده‌است.»<sup>۲</sup>

۱- باستان‌شناسی غرب، ص ۴۹

۲- باستان‌شناسی غرب، ص ۴۲۳





- |              |                  |              |             |               |
|--------------|------------------|--------------|-------------|---------------|
| ۱. گودین تپه | ۲. بادخوره       | ۳. تپه گیان  | ۴. تپه چشید | ۵. پایاجان    |
| ۶. گریبرین   | ۷. کسترلان       | ۸. چنابیز    | ۹. میرولی   | ۱۰. تپه گوران |
| ۱۱. چناباران | ۱۲. کله‌نار      | ۱۳. بنی‌سرمه | ۱۴. میرخیبر | ۱۵. درتھا     |
| ۱۶. قبرناهی  | ۱۷. تپه علی‌آباد | ۱۸. شوش      |             |               |

محوطه‌ی باستانی مرکز غرب ایران حدود ۲۶۰۰-۱۴۰۰ ق.م. (ص ۴۳۵ کتاب)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### رتال گودین III

منطقه	۶	۵	۴	۲	پس از ۲	۱
شرق کوه گرین	۸	۴	۳	۱۰	۴	۱
شرق پیش‌کوه	۶	۱۲	۸	۲۹	۵	
ماهیدشت	X	X	X	X		
غرب پیش‌کوه	۴	۵	۲	۱۲	۵	
پشت‌کوه	۲				۲	

یادداشتها:

X = یافت شده است ولی شمار محوطه‌ها هنوز در دست نیست.

همهٔ جمعهای کل ارقام حداقل هستند (جزئیات را ببینید در هنریکسون ۱۹۸۶b: جدولهای ۴-۲).

توزیع کلی فازهای گودین III (ص ۴۳۴ کتاب)

وی در پاورقی آن توضیح می‌دهد که در موزه‌ی سلطنتی اونتاریو مجموعه‌ای از تکه‌سفال‌های تپه‌ی گیان نه‌آوند موجود است. هم‌چنین حاصل بررسی‌های «یانگ» در مورد نه‌آوند و مناطق اطراف آن به تازگی منتشر شده است.

### «لویس د. لوین» و گیان

«لوین» به مطالعه‌ی عصر آهن پرداخته و حوادث هزاره‌ی نخست (پیش از میلاد) را دنبال کرده است. به نظر او پس از زوال عیلام، ساکنان غرب ایران و زاگرس اهمیت یافته و تمدن آن‌ها جانشین خوزستان گردیده است. در مورد سرنوشت گیان و نه‌آوند در عصر هخامنشیان اطلاعات ما ناچیز است. به‌همین دلیل تحقیقات این دانشمند از ارزش خاصی برخوردار است. مطالعه‌ی او بر اساس تقسیم‌بندی زیر صورت می‌گیرد.

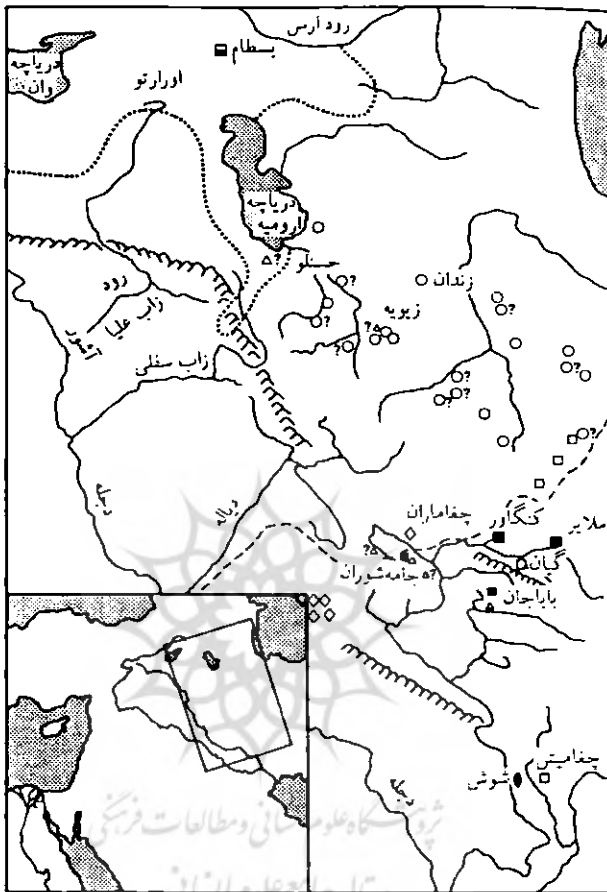
«با توجه به چشم‌انداز غرب ایران، دوره‌ی مورد بحث را می‌توان به سه زیر دوره‌ی تاریخی گسترده تقسیم کرد. نخستین زیر دوره‌ی ۳۵۰ سال آغاز هزاره‌ی اول است که بیش‌تر، اگرچه نه کاملاً آشوریان بر آن فرمان می‌راندند. به دنبال آن، ظهور مادها، پس از سقوط آشوریان در ۶۱۲ ق. م. است. دوره‌ی سوم که دوره‌ی شاهان هخامنشی است، با بر تخت نشستن کوروش در سال ۵۵۹ ق. م. آغاز می‌شود و با شکست داریوش به دست اسکندر کبیر در سال ۳۳۰ ق. م. به پایان می‌رسد. این داستان با دوره‌ای از هرج و مرج سیاسی پایان می‌پذیرد.»<sup>۱</sup>

وی سپس به مطالعه‌ی هر کدام از این زیر دوره‌ها می‌پردازد که در مطالعه‌ی تاریخ ایران پیش از اسلام بسیار مفید است. از نظر او مطالعه‌ی مجدد «هنریکسون» در مورد گورهای تپه‌ی گیان بسیاری از مشکلات تحقیق در غرب ایران و در دوره‌ی آهن جدید را حل کرده است. چنان‌که در مورد گورهای تپه‌ی گیان در این دوره قائل به توالی

بازسازی شده است که در نقاط دیگر دیده نشده است. او می‌نویسد: «نقشه‌ی دوره‌ی آهن نشان می‌دهد که ناحیه‌های بزرگی در این دوره وجود داشته است. ولی داده‌های آن‌ها برجای نمانده است. از سفال‌خاکستری قدیم غرب مدارک کافی در حوضچه‌ی دریاچه‌ی ارومیه باقی است و مجموعه‌های سفال در محوطه‌های شاخص حسنلو و تپه‌ی دینخوا کاملاً شناسایی شده است. همین مجموعه‌ی سفال پیوندهای روشنی با نواحی شرق دارد که خارج از نقشه در خوروین در کوه‌های البرز و در تپه‌ی سیلک واقع شده است. کشف یافته‌های پراکنده نیز در بررسی مرکز غرب گزارش شده است. مواد دوره‌ی آهن! گودین‌تپه و تپه‌ی گیان، از گورها به دست آمد.»<sup>۱</sup>

در فصل پایانی یعنی یازدهم، گزارشی کوتاه از «گرگوری. جانسون» با نام «نه هزار سال تغییر اجتماعی در غرب ایران» ارائه داده که در حقیقت به یکی از کهن‌ترین و با سابقه‌ترین تمدن‌های بشری در غرب ایران اشاره دارد. با مطالعه این کتاب خواننده به جایگاه گیان نهند در این دوره‌های طولانی پی خواهد برد و موقعیت ارزشمند و تعیین کننده‌ی آن را خواهد دانست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



- محوطه‌هایی با سفال میکایی نخودی قدیم و جدید
  - محوطه‌هایی با سفال نخودی میکایی از دوره‌ای نامشخص
  - ◇ سفالهای پشت‌کوه
  - △ سفالهای منقوش جامه‌شوران IIA
  - سفالهای نخودی با پوشش کرم
  - سفالهای عیلام‌نو II
  - جاده بزرگ خراسان
- سفالهای اورارتویی در سرتاسر ناحیه مشخص شده اورارتو پراکنده‌اند.

توزیع محوطه‌های آهن III در غرب ایران (ص ۴۹۵ کتاب)